



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۶۷]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



مرقّع ناصری
طراحی‌ها، سیاه‌مشق‌ها و
یادداشت‌های ناصرالدین شاه قاجار



به کوشش **مجید عبدالمین**، با همکاری مهدی فراهانی
گرافیسیت، طراح و مجری جلد **کاوه حسن بیگلو**
صفحه‌آرا **کیانوش معتقدی**
لیتوگرافی **کوثر**
چاپ متن **آزاده**
تیراژ **۱۱۰۰ نسخه**
چاپ اول **زمستان ۱۳۹۸**

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار
خیابان ولی‌عصر، بالاتر از چهارراه پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب، کوی لادن، شماره ۶
تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران (با معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - ابراهیم ابراهیمی (نایب رئیس هیئت مدیره، معاون قضائی دیوان عالی کشور)
دکتر محمد افشین وفايي (مدیرعامل) - معصومه پاکراد (خرانه‌دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمدعلی هدایتی



یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان‌شناسی به‌طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقف‌نامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت‌نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

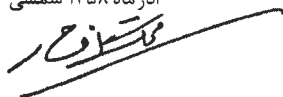
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاربیزی
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در بر داشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن‌که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزله باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره



یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان، کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانناژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

مقررات مربوط به جایزه‌های ادبی و تاریخی

ماده ۳۴ و قفنامه اول

چنانچه درآمد موقوفات به مقدار قابل‌افزایش یابد واقف یا شورای تولیت می‌تواند علاوه بر تألیف و ترجمه و چاپ کتب، مبلغی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده. بنابراین باید شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعار و تصنیف قطعات نظم و نثر وطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراحات و مسابقه‌ها و دادن جوایز از درآمد موقوفات تشویق و ترغیب نمود. تشخیص این امور در زمان حیات با واقف است که با مشورت دوستان مطلع خود انجام می‌دهد، سپس با هیئت شش نفره است که دو سوم از متولیان و یک سوم از هیئت مدیره شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جایشان معین کنند، مرکب خواهد بود.

ماده ۵ و قفنامه پنجم

به سبب انحلال شرکت مطبوعاتی آینده آنچه در مورد تشخیص امور مربوطه بدان جوایز طبق ماده ۳۴ و قفنامه اول مورخ دی ماه ۱۳۳۷ به عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصراً به عهده واقف و سپس شورای تولیت است که می‌توانند از اهل بصیرت یاری بخواهند.

یادداشت واقف

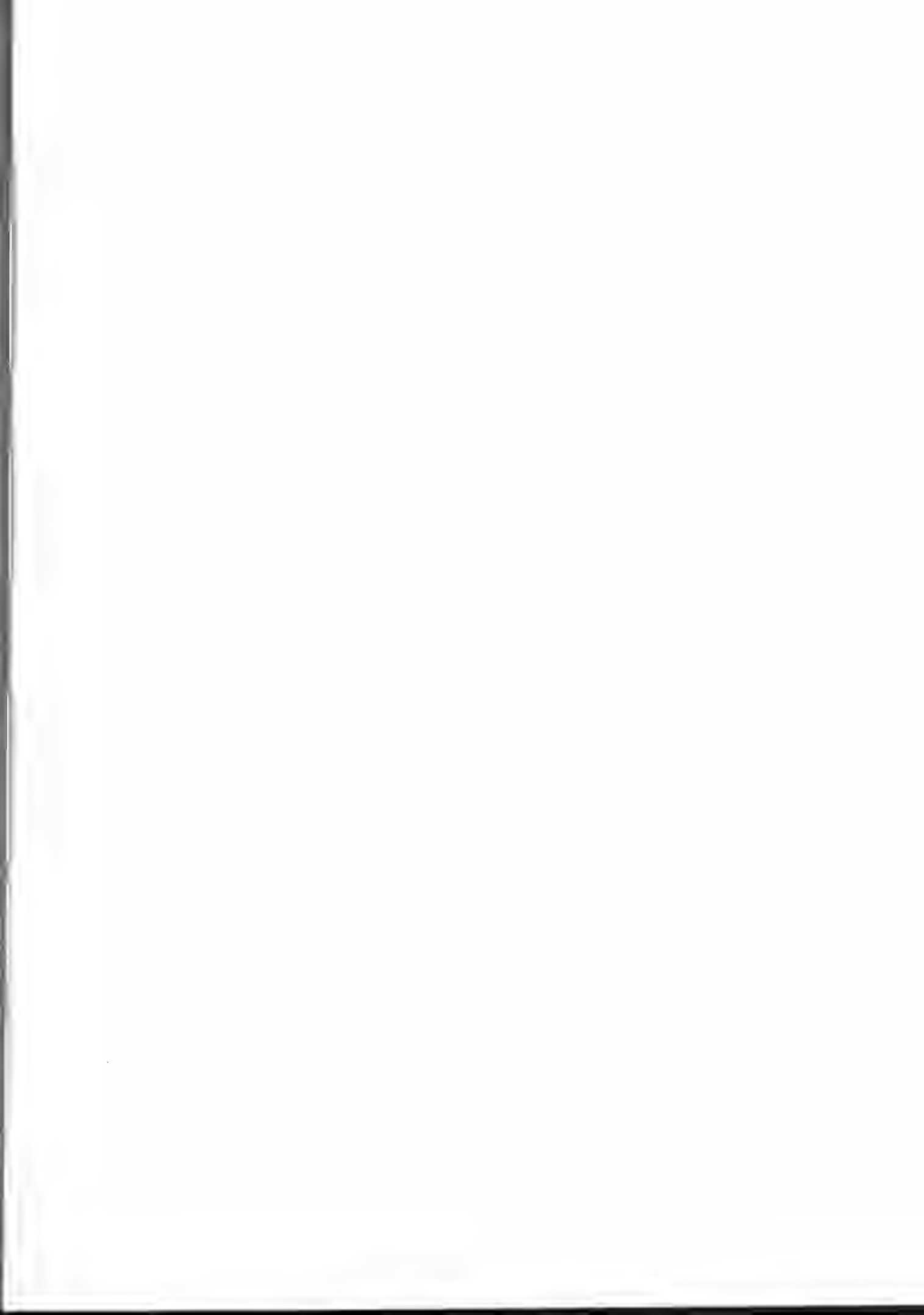
جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است، تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعاری که در پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبان‌های دیگر، خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می‌تواند نامزد دریافت جایزه گردد. برای این کار آیین‌نامه‌ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می‌کنم.



فهرست مطالب



	مقدمه
	فهرست تصاویر
۱	مرقع اول
۱۸۱	مرقع دوم
۲۷۵	تصحیح متن مرقع اول
۳۹۵	تصحیح متن مرقع دوم
۴۳۵	فهرست‌های چندگانه
۵۰۳	منابع و مأخذ



تمایل انسان به ثبت و ضبط آنچه دریافت و مشاهده می‌کند، پیشینه‌ای بس طولانی دارد، و در گذر زمان رو به تکامل نهاده، و صورت‌بندی‌های گونه‌گونی را یافته است. از نخستین جلوه‌های شناخته شده این تمایل در میان سنگ‌نگاره‌ها و حکاکی‌های باستانی، تا واپسین ابزار نوین ثبت و ضبط، همواره ابعاد ذهنی انسان، مورد واکاوی‌های متفکرین و اندیشمندان بوده، و طی سالیان متمادی نیز نظریات و آرای متعددی در باب ماهیت و حقایق پنهان تاریخ، بر اساس مشاهدات و مکتوبات، از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. در این میان، رویکردهای تک‌سویه به شواهد تاریخی و پژوهش‌های تکررشته‌ای، به تنهایی نمی‌توانند مبین تصویری شفاف از پدیده‌های تاریخی باشند، و نیازمند هم‌پوشانی لایه‌های متعدد از مستندات و مکتوبات، بر اساس تحقیقات چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای هستند تا مسیر پاسخگویی به بسیاری از پرسش‌های تاریخی را هموار سازند. از این منظر، شناخت و دسته‌بندی اسناد معتبر نقش به‌سزایی در مکاشفه‌های پژوهشی ایفا می‌کند، و تاریخ را از گزیده‌نگاری‌های شخصی برحذر می‌دارد. چنانکه جنبه‌ی روایی هنر ایرانی در میان طرح‌ها و نگاره‌های نقش‌بسته بر کتب و رسالات، ظروف، اشیاء، کاشی‌کاری‌ها، دیوارها و جز اینها، تا پیش از مواجهه با مناسبات هنر جدید در غرب، نقش تعیین‌کننده‌ای در پژوهش‌های تاریخی ایفا کرده است. برخی از این نگاره‌ها، همان تاریخ مکتوبی هستند که گویای احوال مردم این سرزمین کهن شده است. در میان مطالعات فرهنگی و تاریخی ایران، همان‌گونه که شعر به تنهایی خیال‌انتراعی شاعر نیست و شاعر از حقیقتی پنهان اما با زبانی استعاره سخن می‌گوید، بسیاری از آثار هنری ایران در طی سده‌های پیشین، تنها به‌عنوان هنرهای زیبا و موزه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته‌اند، بلکه گاه به مثابه روایتگرهایی تاریخی، زبان مصوّر تاریخ بوده‌اند.

با نگاهی به آثار هنری و مکتوب قرون گذشته، همواره نقش صنعتگران و هنرمندان، هم‌گام با تاریخ‌نگاران، در مصوّرسازی رخدادهای تاریخی بسیار چشمگیر بوده است. به گواه تاریخ، بسیاری از ایشان یا به خدمت حاکمان درمی‌آمدند و میل پادشاه را نقش می‌کردند، و یا در گوشه‌ای فارغ از ساز و کارهای قدرت، حقایق را بر روی ظرفی، پارچه‌ای یا دیواری به ثبت می‌رساندند. اما این بار تصویرگر و وقایع‌نگار، شخص پادشاه است که در نقش روایتگری تاریخی به ثبت وقایع و رخدادهای اطراف خویش پرداخته است. پادشاهی که مشروعیت قدرت خویش را از فرّ ایزدی دریافت کرده بود، و بی‌نیاز به دگردیسی‌های هویتی از "ظل‌الله" و "اولوالامر" به القابی چون خطاط، شاعر، نقاش و یا هنرمند، به خلق آثاری هنری می‌پرداخت. آثاری که نه برای فروش خلق می‌شدند و نه برای عرضه، نه برای تشویق و تمجید دیگران - که نیازی به چنین کار نبود - نه به جهت رقابت با کسی - که کسی را یارای رقابت با وی نبود. در خاطرات روزانه‌اش این‌گونه نوشته است: "فرستادیم پرده‌ی نقاشی که ساختیم، با نقشه سفر عراق را آوردند. وزرا و شاهزاده‌ها آمدند و تماشا کردند. ملک‌آرا بود، شاهزاده عضالدوله بود، غیر از عضالدوله همه شاهزاده‌ها بودند و تعجب می‌کردند از این پرده‌ی نقاشی که ما ساختیم و هیچ باور نمی‌کردند که ما ساخته باشیم! ما که خودمان ساخته بودیم، جهنم که باور نمی‌کردند!"^۱

همچنان اگر به قضاوت خویش نیز می‌نشست، بی هیچ ابایی از شوکت شاهانه و غرور ملوکانه می‌نوشت: "هیچ در خط ترقی نکرده‌ام"^۲ و اگر از عمل خویش راضی بود می‌نوشت: "علی‌آقای لال را سوار اسب کردیم و صورتش را در سه دقیقه با مداد، به قدری خوب و شبیه ساختیم که هیچ نقاشی نمی‌تواند این‌طور شکل بکشد"^۳.

ناصرالدین‌شاه، آنچه را که می‌دید نقش می‌کرد، بسان طراحی واقع‌گرا؛ اما انتخاب فرم‌ها و ترکیب‌بندی آثارش بسان هنرمندان واقع‌گرای غربی نبود. در چهره‌نگاری‌ها به شبیه‌سازی می‌اندیشید، چه آنجا که از مدلی زنده در مقابل خویش بهره می‌برد، و چه آنجا که از روی کارت‌پستال‌ها و روزنامه‌های فرنگی نمونه‌سازی می‌کرد. دقت در ترسیم و تکرار یک فیگور در کنار هم، نشان از آن دارد که گاه الگویی مشخص در مشق طراحی داشت، اما اگر به استقبال تخیل خویش می‌رفت، در کنار آن اثر می‌نوشت: "خیالی".

آنجا که شاه در مقام یک طراح به دنیای پیرامون خویش می‌اندیشید، به مانند یک طراح، با بیانی ساده و دور از جزئیات، ماهیت اصلی یک فیگور یا دورنما را به تصویر می‌کشید، اما آنجا که در نقش یک راوی رخدادها را بیان می‌کرد، کمابیش کوچکترین جزئیات را مصور می‌نمود - از زنگ انگشتی در دستان رقصندگان و چوب گره‌دار مرد درویش، تا چای و قلیان در اردوی شاهی. در واقع ناصرالدین‌شاه طراح، همان راوی قدرتمند تاریخی بود که گاه با درهم آمیختن خیال و واقعیت، آنچه را که اراده خویش بود منقوش می‌کرد و گاه در کنار آن نیز یادداشتی را می‌نوشت که نشان از موقعیتی حقیقی داشت که پیش از خلق اثر رخ داده بود؛ به بیانی دیگر می‌توان گفت، تخیل هنری شاه در بسیاری از آثارش، نمودی بیرونی و واقعی داشت.

عدم تهیه فهرستی دقیق از آثار شاه، ترتیب تاریخی در چینش مرقعات و درج نشدن تاریخ برخی از آثار، بررسی سیر تحول و پیشرفت ناصرالدین‌شاه در طراحی و خوشنویسی را کمی مشکل‌ساز می‌کند. از سویی استفاده مناسب از کادر، خط و ترکیب‌بندی در بعضی از مناظر و دورنماها و همچنین رعایت تناسبات و حجم‌سازی با سایه‌روشن در چهره‌سازی‌ها، نشان از تبخّر وی در طراحی می‌دهد، اما از سویی دیگر عدم دقت در اجرا و قلم‌زنی‌های ناشیانه، کم‌حوصله‌گی‌های طراحی تازه‌کار را در ذهن متبادر می‌سازد. این کم‌حوصله‌گی و دودسته‌گی در قلمرانی‌ها، در خوشنویسی‌هایش نیز به وضوح قابل مشاهده است، چرا که برخی از مشق‌های خوشنویسی وی، نشانه درک و دریافتش از نستعلیق‌های میرعماد و شکسته‌نستعلیق‌های درویش عبدالمجید طالقانی دارد.

به هر روی، مطالعه و تحلیل آثار ناصرالدین‌شاه، با تأکید بر شاخصه‌های هنری متعارف در بررسی متون مصور تاریخی، به تنهایی امری ممکن نیست و فهم و تبیین بهتر این آثار، مستلزم شناخت زمینه‌های اجتماعی و مناسبات فرهنگی در هم‌زیستی دوباره با تاریخ است. از این منظر، رویکرد ساختاری نقد با تأکید بر مهارت‌های فنی، و انتظار خلق شاه‌کاری هنری در قیاس با آثار قلمی هنرمندان طراز اول، نادیده انگاشتن ماهیت تاریخی این آثار، و دغدغه‌های ذهنی پادشاهی است که ورای سیاست، شعر می‌سرود، خط می‌نوشت و طراحی می‌کرد.

شاید هیچ‌گاه نتوان به انگیزه اصلی ناصرالدین‌شاه، از ترکیب و آرایش این آثار به صورت آلبوم‌هایی مرقع پی برد، اما اگر هر از گاهی وقت خود را در کتابخانه سلطنتی می‌گذرانید، به سراغ آلبوم‌های عکس و دفاتر خاطرات خویش می‌رفت و با تورق، در حاشیه آن‌ها، خطی یا طرحی را اضافه می‌نمود، و یا فردی را به خواندن خاطراتش مأمور می‌کرد، چنانکه در روزنوشته‌های سفر خراسان نوشته است: "محقق، کتاب روزنامه‌های خیلی قدیم مرا می‌خواند که به‌طور مرقع چسبانده‌ام"^۴.

آثار گردآمده در این مجموعه، شامل دو مرقع تاریخی از قدیمی‌ترین روزنوشته‌های ناصرالدین‌شاه، اشعار، مشق‌های خوشنویسی و طراحی، و دست‌نوشته‌های وی از دوران ولیعهدی به بعد است. از میان آن، دست‌خط ناصرالدین‌شاه در ۵ سالگی، مشق خوشنویسی در ۹ سالگی و طراحی پرتره خویش در ۱۳ سالگی، قدیمی‌ترین اسناد باقی‌مانده از کودکی و نوجوانی ناصرالدین‌شاه محسوب می‌شوند که در اینجا برای نخستین‌بار به زیور طبع آراسته شده‌اند. لازم به ذکر است که در میان برخی از این آثار، معدود طرح‌ها، نقوش و خطوطی نیز به چشم می‌خورند که قلم افرادی دیگر است، اما در این دو مرقع جای داده شده‌اند و ناصرالدین‌شاه نیز در حاشیه هر کدام، نام صاحب قلم را ذکر کرده است. اثر حاضر در چهار بخش اصلی تنظیم یافته که دو بخش اول به چاپ عکسی مرقع‌ها و دو بخش بعدی به تصحیح و ویرایش متون هریک از تصاویر اختصاص یافته است. با توجه به مراجعه محققین و پژوهشگران عرصه‌های مختلف به چنین مرجع‌هایی، فهرست‌هایی مختلف و متنوع همچون اسامی اشخاص، اسامی جغرافیایی، مدنی، اجتماعی و اداری، واژه‌های خاص و ضرب‌المثل‌ها، طوایف، ایلات، خاندان‌ها و مذاهب، مأكولات و مشروبات، گل و گیاه، میوه‌جات و درختان، حیوانات و جانداران؛ و کتب و رسالات تهیه شده است که بخش پایانی این مجموعه را شامل می‌شود.

۱. روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ ق.)، ۱۳۹۷: ۳۰.

۲. مرقع ناصر، صفحه ۳۸۳.

۳. روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ ق.)، ۱۳۹۷: ۴۸.

۴. روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه (۱۲۸۳ تا ۱۲۸۴ ق.) بانضمام سفرنامه اول خراسان، ۱۳۹۶: ۷۹.

روش تصحیح نسخه

رسم الخط نسخه، با رسم الخط امروزی متفاوت بوده، و همچنین متن اصلی فاقد علائم سجاوندی و عدم رعایت قواعد پاراگراف‌بندی بوده که در بازنویسی، کلیه این موارد، بدون استفاده از علامت افزوده [] رعایت گردیده است. کلماتی همچون: برخواستم، خاندم، نهار و از این دست، به رسم الخط متعارف کنونی: برخاستم، خواندم، ناهار تغییر یافته است. در متن اصلی، بای حرف اضافه متصل به کلمه بعدی آمده، همچون «بجای» یا «بخاطر» که به شکل «به جای» و «به خاطر» تغییر یافته است.

کلمات جمع که با حرف «ها» ادغام شده‌اند مانند: خانه‌ها و خواجه‌ها و امثالهم از هم جدا گردیده و به شکل: خانه‌ها و خواجه‌ها نوشته شده است.

هر جا افزودن کلمه یا حرفی بایسته دیده شد، آن را در میان دو چنگک [] قرار دادیم. کلمات و جملات معترضه در میان دو خط - - قرار گرفته است.

در بعضی از قسمت‌های نسخه، در نگارش واژگان اشتباهاتی صورت گرفته که ضمن تصحیح این موارد، در پانویس همان صفحه مشخص شده است.

پانویس‌های کتاب، حول محور اماکن و نقاط خاص جغرافیایی و همچنین کلمات و لغات نامأنوس و منسوخ شده قرار گرفته است، و سعی گردیده تا کمتر به مقوله اعلام و القاب پرداخته شود. زیرا به علت گستردگی دامنه القاب به کار رفته در کتاب، و همچنین با توجه به اینکه بسیاری از القاب و مناصب در دوره‌های مختلف تاریخی، مختص افراد و اشخاص مختلفی بوده است؛ حجم زیادی از پانویس‌ها را به خود اختصاص می‌داد؛ لذا به جهت جلوگیری از اطاله مطالب و سردرگمی خوانندگان، در بخش اسامی اشخاص، تفکیک این موارد صورت گرفته است. شیوه ترتیب فهرست اعلام اشخاص به شکل زیر است:

- اسم کوچک + کلمه عنوانی مثل خان و میرزا ← ارجاع به لقب (مثلاً جعفرخان - مشیرالدوله)

- اسم کوچک منفرد ← (مثلاً قربانعلی)

- اسم کوچک + کلمه عنوانی مثل خان، میرزا یا نسبت (عبدالله‌خان، جهانسوزمیرزا، خسروخان گرجی)

- اسم کوچک مرکب + کلمه عنوانی همچون خان، میرزا یا نسبت آن شخص.

- اسم کوچک مرکب ← ارجاع به لقب (سلطان‌مرادمیرزا = حسام‌السلطنه)

- نام‌هایی که یکنواخت و مشابه بوده و احتمال می‌رفته است که دو یا چند شخص مجزا باشند، پشت سرهم و به ترتیب ذکرشان در صفحات آورده‌ام، تا اختلاطی در هویت و منصب آنها حاصل نشود. (مثلاً مصطفی‌قلی‌خان و مصطفی‌قلی‌خان سبزواری)

- القاب بعدی و اطلاعات مربوط به افراد، پس از شماره صفحات و داخل پیرانتز آورده شده است.

- در تشخیص برخی از القاب اشخاص، از دیگر روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه که خود تصحیح کرده‌ام، بهره برده‌ام.

مشخصات ظاهری مرقع اول:

شماره اموالی نسخه: ۵۵۱۱۸

مرکز اسناد کاخ گلستان، تهران- ایران

جلد: مقوایی لایه‌دار، روکش مقوای طرح‌دار (به سبک جلدهای سوخت‌ضربی) به رنگ قرمز، داخل جلد از جنس چرم مشکی، کمی در اطراف زدگی دارد، عطف از کتاب جدا شده است، و شیرازه به وضوح قابل مشاهده است، دفترچه فرنگی‌ساز، بر روی جلد برجسب کوچک سفیدرنگ وجود دارد که شماره میکروفیلم ۷۸/۸۰۴ بر روی آن نوشته شده است. روی عطف برجسب سفید با حواشی طرح‌دار و شماره ۳۲۰ مشاهده می‌شود.

طول جلد: ۴۳/۵ cm / **عرض جلد:** ۲۸ cm / **عطف:** ۲/۳ cm

ابتدای آلبوم دو برگ کاغذ فرنگی به رنگ آبی نفتی وجود دارد. بر روی صفحه اول از برگ نخست، شماره ۵ و در زیر آن عبارت «نمره ۱۷۱» مشاهده می‌شود. بر روی صفحه اول از برگ دوم، «نمره ۱۷۱ خارجه» مشاهده می‌شود.

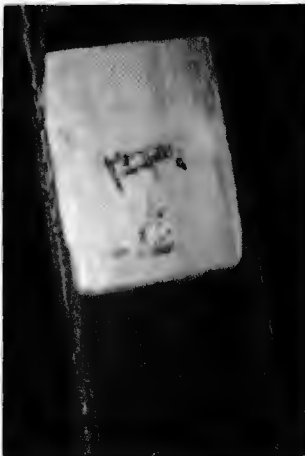
بر بالای صفحه اول کتاب (برگ سوم)، عبارت «ضمیمه ۸ ورقه خط و نقاشی است»، در زیر آن عبارت «نمره ۱۷۱ خارجه» مشاهده می‌شود. سپس ۵ برگ سفید، و بر بالای صفحه دوم از برگ ششم، عبارت «۶ ورقه نقاشی دارد» تحریر شده است. بر روی صفحه اول از برگ هفتم آلبوم (شروع مرقع) به ترتیب: در بالا نقش مهر دفتر ضبط اسناد دولتی وزارت مالیه سنه ۱۳۲۸، در زیر آن نمره ۴۷۵۰ و در زیر آن عبارت: یک‌صد و هفتاد و نه صفحه است (۱۷۹ صفحه به خط سیاق نیز نوشته شده است) و «هو به تاریخ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ از کتابخانه اندرون به دفتر اسناد دولتی نقل شد، موسی مرآت‌الممالک» مشاهده می‌شود.

کاغذ حاشیه: از جنس مقوای نازک، با ضخامت‌های متفاوت. رنگ غالب نخودی

کاغذ متن: از جنس کاغذ ایرانی و فرنگی‌ساز، با جنس، ضخامت و رنگ‌های متفاوت، برخی از اوراق دارای واترمارک هستند.

تعداد صفحات آلبوم: ۱۹۸ صفحه

تعداد صفحات دارای تصویر: ۱۷۹ صفحه





تعداد صفحات سفید: ۳۸ صفحه
اندازهٔ اوراق: طول: ۴۳/۱ cm و عرض: ۲۸ cm
ابعاد برخی از تصاویر:

تصویر شمارهٔ ۱۰: ۲۱ * ۲۵

تصویر شمارهٔ ۱۷: ۲۵/۵ * ۳۷/۵

تصویر شمارهٔ ۲۲: ۱۹ * ۳۱/۴

تصویر شمارهٔ ۹۱: ۱۸/۷ * ۳۰

آغاز: این کاغذها را با بعضی اشیاء دیگر پسر محمدقاسم خان والی گیلان ...

انجام: قریهٔ گیل کلا. قریهٔ پی‌ده. قریهٔ نیچکو.

مشخصات ظاهری مرقع دوم:

شمارهٔ اموالی نسخه: ۵۵۱۱۸

مرکز اسناد کاخ گلستان، تهران - ایران

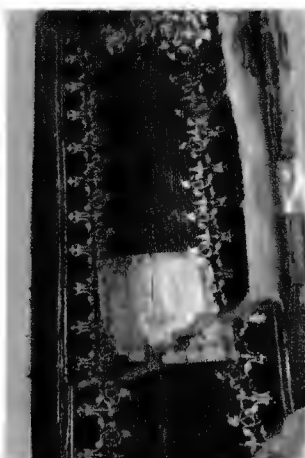
جلد: مقوایی لایه‌دار، روکش چرم مشکی، با تزئینات طلاکاری، کمی در اطراف زدگی دارد، کهنه و مندرس شده و از کتاب جدا شده است، شیرازه به وضوح قابل مشاهده است. دفترچه فرنگی‌ساز. در برخی قسمت‌ها پارگی دارد که از زیر چرم، مقواها پیدا شده‌اند. بر روی جلد برچسب کوچک سفیدرنگ وجود دارد که شماره‌های ۱۴۹ و ۲۲ بر روی آن نوشته شده است. روی عطف برچسب سفید با حواشی طرح‌دار، روی آن شماره‌های ۲۲ و ۱۴۹ مشاهده می‌شود.

طول جلد: ۴۲/۲ cm / عرض جلد: ۲۹ cm / عطف: ۷/۳ cm

آستر بدرقه، کاغذ فرنگی به رنگ صورتی سیر و بر بالای صفحهٔ دوم نمرهٔ ۲۲ مشاهده می‌شود. بر بالای صفحهٔ اول کتاب، عبارت «نمرهٔ ۲۰۷» مشاهده می‌شود.

در پایین صفحه، به ترتیب: نقش مهر دفتر ضبط اسناد دولتی وزارت مالیه سنهٔ ۱۳۲۸، در زیر آن نمرهٔ ۴۷۴۴ و عبارت: هشتاد و نه صفحه است (۸۹ به خط سیاق هم نوشته شده است).

«به تاریخ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ از کتابخانهٔ اندرون به دفتر اسناد دولتی نقل شد. موسی مرآت‌الممالک» مشاهده می‌شود. پایین سمت چپ صفحه، مجدداً نقش مهر دفتر ضبط اسناد دولتی



وزارت مالیه سنه ۱۳۲۸، و شماره ۵۵۱۸ بر بالای آن مشاهده می شود.

کاغذ حاشیه: از جنس مقوا با ضخامت های متفاوت
کاغذ متن: از جنس کاغذ و مقوای ایرانی و فرنگی ساز، با جنس،
ضخامت و رنگ های متفاوت، برخی از اوراق دارای واترمارک
هستند.

تعداد صفحات آلبوم: ۹۴ صفحه (۴۷ ورق)

تعداد صفحات دارای تصویر: ۹۱ صفحه

تعداد صفحات سفید: ۳ صفحه (صفحات ۲۰، ۲۳ و ۳۹)

اندازه اوراق: طول: ۴۰/۶ cm عرض: ۲۸/۸ cm

ابعاد برخی از تصاویر:

تصویر شماره ۱: ۲۱ * ۲۵

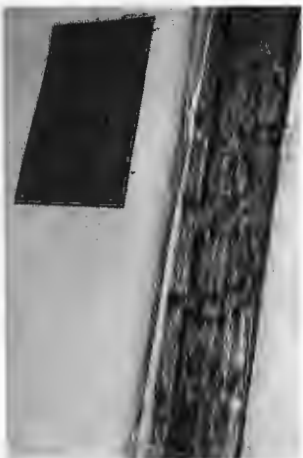
تصویر شماره ۱۵: ۲۵/۵ * ۳۷/۵

تصویر شماره ۳۷: ۱۹ * ۳۱/۴

تصویر شماره ۶۶: ۱۸/۷ * ۳۰

آغاز: روز شنبه سنه ۸۵ هجری اول محرم سال لوی ثیل ترکی
در طهران هستیم.

انجام: تصویر دو مرد نظامی نیزه به دست، سوار بر اسب.



تقدیر و تشکر

سخن را با مراتب سپاس و تشکر فراوان از تمامی سروران و عزیزانی که از روی لطف و عنایت، بنده را در تهیه این مجموعه کمک کرده‌اند به پایان می‌برم.

در ابتدا لازم است از مدیریت محترم کاخ گلستان، جناب آقای دکتر مسعود نصرتی، به سبب راهنمایی‌های محققانه و ایجاد شرایط لازم جهت چاپ این اثر تشکر و قدردانی نموده و بدین وسیله سپاس خود را تقدیم ایشان نمایم.

از سرکارخانم نسرین خلیلی، امین‌اموال و مسئول مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان، کمال تشکر و سپاس را دارم.

از دوست عزیزم، جناب آقای کیانوش معتقدی که در بخش نظارت بر چاپ کتاب، زحمات فراوانی را متقبل شدند کمال تشکر دارم.

از خانم‌ها زهرا سیاوش و توران زندیه، و جنابان آقایان بهمن بیانی، امیرعباس نصیری یزدی، احمد چایچی امیرخیز، رضا فراستی، غلام‌حسین نامی، امین محمدی، میلاد عظیمی، کاوه حسن بیگلر، ابراهیم آبشاری، بهمن کاظمی و محمدرضا رضائی پور، به جهت محبت و گشودن گره‌هایی از کار انتشار این کتاب، کمال تشکر و امتنان را دارم.

از حضرت آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد، و کلیه کارمندان محترم انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، به پاس تلاش بی‌وقفه این مرکز، جهت ارتقاء سطح فرهنگ و دانش ایران عزیز و فراهم نمودن شرایط لازم برای چاپ این کتاب تشکر می‌کنم.

وظیفه خود می‌دانم، از دوست گرامی و دانشمندم جناب آقای دکتر محمد افشین وفایی، به سبب تمامی زحمات و کوشش‌های پیگیر و دلسوزانه ایشان، در جهت هر چه بهتر و پاکیزه شدن متن حاضر، و یادآوری نکاتی چند در فهم لغات و اصطلاحات متن صمیمانه تشکر نمایم.

همچنین لازم است از جناب آقای اصغر علمی، مدیریت محترم انتشارات سخن و کلیه کارمندان محترم این مؤسسه، کمال تشکر و امتنان را داشته باشم.

سخن را با درود به روان پاک دکتر محمود افشار و خلف صالحش، زنده‌یاد ایرج افشار به پایان می‌برم و برای زنده‌یاد استاد کریم اصفهانیان که همواره مرهون محبت‌های ایشانم، علو درجات و بهشت برین را آرزومندم.

این اثر را تقدیم می‌کنم به تمامی پویانگران و علاقه‌مندان عرصه تاریخ و فرهنگ ایران زمین و یادآوری می‌کنم، با توجه به بضاعت اندک این حقیر، به احتمال قریب به یقین، لغزش‌ها و اشتباهاتی در تصحیح متن این اثر روی داده که امیدوارم سروران و فضلا، بر این نقایص چشم نپوشند و با تذکرات کارشناسانه خود، بنده را مرهون محبت‌های خویش سازند.